

درخواست طلاق از شوهر رشوه گیر



رشوه گرفتن کارمند یک اداره دولتی به بهای پایان زندگی مشترکش تمام شد؛ زندگی‌ای که هنوز شروع نشده بود، به درخواست

سیمافراهانی

تپش

روژین به یکی از پرونده‌های طلاق در دادگاه خانواده تهران ختم شد و مرد عاشق پیشه مجبور شد که برای همیشه از همسرش جدا شود. وقتی قاضی علت این دادخواست را از این زوج پرسید، زن جوان رشته کلام را در دست گرفت. او درباره اجرای زندگی‌اش گفت: آقای قاضی شوهرم یک خلافکار است و نمی‌توانم به او اعتماد کنم. او خلاف کرد و باعث آبروریزی من شد. از وقتی این موضوع را متوجه شدم دیگر نمی‌توانم او را تحمل کنم. شوهرم کارمند یک شرکت است. ما دو سال پیش با هم آشنا شدیم. او را در یک مهمانی دوستانه دیدم و بعد از مدتی آشنایی روزبه گفت که عاشق من شده و از من خواستگاری کرد. من هم به او علاقه داشتم. از همان ابتدا او را یک مرد با اخلاق تصور می‌کردم و یکی از دلایلی که خیلی زود تصمیم به ازدواج با او گرفتم نیز همین بود. من به این مسائل خیلی اهمیت می‌دهم و متنفرم از افرادی که سمت کارهای خلاف و غیرقانونی می‌روند حتی اگر به ثروت زیادی برسند. از آنجایی که تصور می‌کردم روزبه مرد با اخلاقی است، قبول کردم با او ازدواج کنم. خودش هم می‌داند که از همان ابتدا توقعات بیجا نداشته و زندگی ساده را دوست داشتم. خودم هم سرکار می‌روم و می‌توانستم کمک خرج زندگی باشم ولی یک ماه پیش پی به موضوع وحشتناکی بردم. روزبه به من گفت که برای انجام یک کار اداری غیرقانونی رشوه گرفته است. مهم نبود که این کارش چقدر خلاف بود، مهم این بود که او رشوه گرفته بود. وقتی فهمیدم تمام دنیا روی سرم خراب شد. احساس می‌کنم او خلافکار است و دیگر به او اعتمادی ندارم. من از مرد فریبکار بدم می‌آید و احساس می‌کنم که اگر ادامه دهم در زندگی مشترک سر مرا هم کلاه خواهد گذاشت. دست خودم نیست نسبت به این موضوع به شدت حساسم. روزبه هم با این که حساسیت مرا می‌دانست باز هم دست به این کار زد. می‌گفت می‌خواهد خرج عروسی من را

حساسیت‌ها را بشناسیم

سارا شقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید: در این پرونده زن جوان به اخلاق و صداقت اهمیت می‌داده و بر همین مبنا همسرش را انتخاب کرده و مرد هم از موضوع باخبر بوده اما به جای توجه بیشتر به این موضوع در جهت خلاف آن گام برداشته که باعث شده همسرش از ادامه زندگی با او منصرف شود. زوج‌های جوان هنگامی که برای ازدواج گام برمی‌دارند باید دلایل طرف مقابل برای انتخاب را شناسایی کرده و سعی کنند به آنها اهمیت دهند. اگر نسبت به حساسیت همسر خود بی‌توجه باشند در آینده با مشکل روبه‌رو شده و زندگی‌شان رو به سردی می‌رود. در صورت بروز مشکل هم سعی کنند با گفتمان آن را حل کرده و در مرحله آخر به طلاق فکر کنند. همیشه تاکید شده است که بار کج به منزل نمی‌رسد و زندگی‌ای که پایه آن با خلاف و جرم آغاز شود، فرجامی جز جدایی و بی‌آبرویی ندارد. مرد جوان می‌توانست مشکلات مالی را با همسرش در میان بگذارد و دو نفری راهکاری برای حل آن پیدا می‌کردند.

تامین کند. ما قرار بود یک مهمانی ساده و خودمانی بگیریم. هزینه این مهمانی آنقدر بالا نبود که بخواهد دست به چنین کاری بزند. او طمع کرد و من هم می‌خواهم از این مرد طمعکار برای همیشه جدا شوم. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی همسر من موضوع را زیادی بزرگ کرده است. من کار غیرقانونی انجام ندادم. هرچند از همین کارم هم پشیمان شدم فقط پولی را از کسی گرفتم که کارش را زودتر انجام بدهم. خواستم با همسر صادق باشم، برای همین این موضوع را به او هم گفتم اما جنجال به راه انداخت. من عاشق همسر هستم و نمی‌خواهم از او جدا شوم ولی او یک ماه است که با من حرف نمی‌زند و اصرار به طلاق و جدایی دارد. هرچه سعی کردم کاری کنم که او مرا ببخشد، فایده‌ای نداشت. دیگر اصرار بی‌نتیجه است برای همین هم مجبور شدم به دادگاه خانواده بیایم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند ولی وقتی اصرار زن جوان را دید رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و این زوج را به مرکز مشاوره خانواده فرستاد.



قبل از ازدواج

حساسیت‌های

همسر خود و انتظارات

او را بشناسید و آنها را

رعایت کنید تا در زندگی

مشترک با مشکل

رو به رو نشوید



فوق‌العاده

در این ستون، حوادث گذشته را دوباره بازخوانی می‌کنیم. حوادثی بسیار قدیمی که فقط برخی افراد سن و سال دار آن را به یاد دارند و بازخوانی آن با همان ادبیات و نثر و نگارش قدیمی، برای ما و نسل قدیم بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در این شماره، جالب‌ترین حادثه مهر ۱۳۵۴ روزنامه اطلاعات را بررسی می‌کنیم.

قاتلی که بعد از قطعه‌قطعه کردن همسر و فرزندانش متواری شده بود پس از سال‌ها به چنگ عدالت افتاد

ماه پشت ابر نمی‌ماند

بی‌رحمانه آنها را قطعه‌قطعه کرد و سپس در چاه انداخت. این شوهر سنگدل و پدر بیرحم، پس از این جنایت فجیع متواری شد و سال‌ها خود را از چشم مامورانی که در تعقیب او بودند دور نگه داشت و دائم در مسافرت بود تا شناخته و دستگیر نشود. ۱۰ سال از جنایت محمدعلی می‌گذشت و دیگر امیدوار شده بود که خود را از چنگ عدالت رها کرده ولی غافل از این بود که اگر ۱۰ سال دیگر هم سپری می‌شد عاقبت خون قربانیان، گریبانش را می‌گرفت و بالاخره چنین نیز شد و نیمه‌شب چند شب قبل، قاتل سنگدل توسط ماموران شناخته و دستگیر شد و اکنون در انتظار حکم است.

از قدیم گفته‌اند اگر خون بیگناهی روی زمین ریخته شود هدر نمی‌رود و قاتل هر چقدر زرنگ باشد و سال‌ها خود را در پناهگاه نگه دارد بالاخره به چنگ عدالت می‌افتد و سزای آدم‌کشی را می‌بیند. تاکنون این حقیقت انکارناپذیر بارها دیده و ثابت شده است که قاتلین بعد از ارتکاب قتل و متواری شدن، عاقبت دستگیر و مجازات شده‌اند. خبرنگار ما در نیشابور گزارشی دارد که آن هم نشان می‌دهد قاتلین نمی‌توانند از چنگ قانون بگریزند. ۱۰ سال قبل محمدعلی با قساوت هرچه تمام، زن و بچه خود را کشت و بعد از ارتکاب قتل،